

مرور اخبار

رودکی سمرقندی

زندگینامه:

رودکی شاعر قرن سوم و چهارم هجری است. نام و نسبش را ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی نوشته اند. وی در اواسط قرن سوم هجری در روستای پنج **Qzqlh** از فرای رودک سمرقند به دنیا آمده است و از این رو به رودکی معروف شده است. در خردسالی حافظه ای قوی داشت و گویند در هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و به شاعری پرداخت. علاوه بر آن آوازی خوش داشت و بریض می نواخت. شاعران در اشعار خود او را استاد شاعران و سلطان شاعران خوانده اند. وی احتمالاً مذهب شیعه اسماعیلی داشته است. رودکی از شاعران روزگار سامانیان و از خاصان امیر نصر بن احمد سامانی (۳۳۳-۳۰۱ هـ) بوده است. درباره شمار اشعار وی اقوال مختلف وجود دارد، برخی تعداد اشعار وی را بیش از یک میلیون نوشته اند و برخی گفته اند صد هزار بیت یا صد دفتر بوده است. وی غیر از اشعاری که در قالب غزل، قصیده و قطعه دارد کلیله و دمنه را هم به نظم در آورده بود که از آن ابیاتی پراکنده موجود است. گفته اند وقتی رودکی مثنوی کلیله و دمنه خویش را به امیر نصر هدیه کرد، گذشته از پادشاه که چهل هزار درم به وی بخشید، یاران و نام آوران درگاه نیز شصت هزار درم به وی دادند و در این سالها بود که رودکی به موجب روایات دویست غلام داشت و دویست شتر زیر بنه اش می رفت. بدینگونه جوانی شاعر در دربار بخارا، در صحبت زیبارویان و سیاه چشمان آن دیار همراه با نشید و مستی گذشت. عشق، موسیقی، شراب و طلا روزگار او را از شادمانی لبریز کرده بود و از غالب اشعارش روح طرب و شادی و پی توجهی به آنچه مایه اندوه باشد، مشهود است. وفات وی را به سال ۳۲۹ هـ ق نوشته اند. از آن آثار گرانبهای پدر شعر فارسی، امروزه فقط حدود ۵۵۰ بیت از مـاخذ کـهن بـه دست آمده است. آیا رودکی کـسور مـادرزاد بـوده است؟ از گوشه ها و کنایه هایی که شاعران نزدیک به روزگار او مثل دقیقی، ابوزراعه جرجانی و ناصر خسرو در باب این استاد شاعران آورده اند، پیداست که او را شاعری نابینا می شناخته اند. اما از سخن او، آنچه هست، بر نمی آید که همه عمر شاعر در آن تاریکیهای دنیای کوران گذشته باشد. نه فقط ادعای دیدن در اشعار او هست بلکه تشبیهات حسی نیز در سخنان او کم نیست. خاصه دنیای رنگ که بر کوران مادرزاد فرو بسته است، در شعر او جلوه ای تمام دارد. به علاوه آن مایه عاشقیها و دلفریبهای روزگار جوانی که یاد آن ایام پیری شاعر را گرم می کند، البته از بسک مسرد نابینا بـه سختی برمی آید. سبک و شیوه سـرایش رودکی : شیوه شعرش سادگی معنی و روانی الفاظ بوده است و وی را حقا باید پدر شعر فارسی و پایه گذار سبک خراسانی یا ترکستانی خواند. نخستین غزل های دل انگیز فارسی را رودکی سروده است. در اشعار او شور و شادی، وجد و ملال، زهد و اندرز، شک و یقین به هم آمیخته است. تخیل او بسیار قوی و تصویرهای شعریش بسیار گویاست. وی پیشاهنگ چکامه سرایان است و کهنترین قصیده کاملی که شامل تشبیب و تخلص به مدح باشد از وی یادگار مانده است. او را آدم الشعرا و استاد شاعران جهان نیز خوانده اند.

چند نمونه از رباعیات رودکی :

با آنکه دلم از غم هجرت خونست شادی به غم توام ز غم افزونست
اندیشه کنم هر شب و گویم یارب هجرانش چنین است، وصالش چونست؟

888

جز حادثه هرگز طلبم کس نکند یک پرسش گرم جز تبم کس نکند
ور جان به لب آیدم بجز مردم چشم یک قطره آب بر لبم کس نکند

888

بر عشق توام نه صبر پیدا است نه دل بی روی توام نه عقل برجاست نه دل
این غم که مراست کوه قافست نه غم این دل که تو راست سنگ خارا است نه دل
نمونه ای از اشعار غنایی و عاشقانه رودکی :

دلا تا کی همی جویی منی را چه داری دوست هرزه دشمنی را
چرا جویی جفا از بی وفایی چه کویی بپهده سرد آهنی را
ایا سوسن بناگوشی که داری به رشک خویشتن هر سوسنی را
یکی زین برزن نا راه بر شو که بر آتش نشانی برزنی را
دل من ارزنی، عشق تو کوهی چه سایبی زیر کوهی ارزنی را
بیا اینک نگه کن رودکی را اگر بی جان روان خواهی تنی را

نظامی عروضی سمرقندی در چهار مقاله می نویسد که نصر بن احمد سامانی زمستانها را در بخارا می گذرانید و تابستان به سمرقند و شهرهای خراسان می رفت. یک سال به هرات رفت، تابستان را در آنجا سپری کرد، خوشش آمد و پاییز

جامعه ارمنی ایران

نمایش آثار هنرمندان مسیحی درخانه هنر

آبکار

به مناسبت سال نو میلادی نمایشگاهی از آثار ۱۹ هنرمند مسیحی ارمنی آشوری در خانه هنر آبکار برگزار شد در این نمایشگاه



گروهی ۱۰۰ اثر در رشته های نقاشی، با مضامین تخیلی، و انتزاعی، مدرن، مجسمه سازی، صنایع دستی، ساخت ماکت (مردم شناسی واقع گرا، سمبولیک، آبستره،

از ۲۸ دیماه در معرض دید عموم قرار گرفت

ایران

۱- پیشنهاد مجلس برای افزایش ظرفیت پذیرش

دانشجو در دانشگاهها

۲- شهرداری رم و تهران با هم همکاری

می کنند

ارمنستان

۱- بازدید جهانگردان از ارمنستان ۲۳/۸ در صد افزایش داشته

است.

۲ - پخش فیلم "ارمنستان خیانت شده" موجب بازتاب مطبوعات

ترکیه شده است.

۳- کتاب خاطرات یوهانس لپسیوس منتشر شده است.

۴- ۱۷۰۰ - مین سالگرد کلیسای مادر آستان قدس اجمیادین

برگزار خواهد شد.

۵- پیرامون کمک مالی آمریکا به ارمنستان

استوار شده فرماندهانی برای آنها تعیین شدند. فرماندهان نظامی در **واراندا**، **سوکرات بیگ** **ملیک شاهنازاریان**، در **دیزاک**، **آرم لایان**، در **خاچن**، **آلکسان دایی**، و **در جرابرد**، **باگرات نازاریان** بودند. تعداد افراد فرا خوانده شده به خدمت نظام به سه هزار نفر بالغ می‌شد. این امکان نیز وجود داشت تا این رقم به ۱۰ هزار نفر برسد، لیکن امکانات به ویژه ابزار جنگی بسیار محدود بود. بخش اعظم ساکنان این سرزمین قاطعانه مصمم به مقابله در برابر تجاوزگران ترک و مساواتی‌ها بود. اما چه کنگره دوم و چه شورای ملی قریباغ تصمیم گرفتند به اسلحه متوسل نشوند به این علت که سرزمینشان آماده مقابله نبود و تلاش می‌کردند مسئله را از طریق مسالمت آمیز حل و فصل کنند. ارتش ترکیه در تاریخ ۲۲ سپتامبر وارد قریباغ کوهستانی شد و روستاهای ناحیه **آسکران** یعنی **داهراو**، **وارازابون**، **پیر جمال**، **ناخچیوانیک**، **کیاتوک**، **خرامورت**، **خاناباد**، **قلیشیاغ**، **کاراگلوخ** و **میرشالو** را با خاک یکسان کرد. دهه روستای دیگر نیز چپاول شد.

سپاهیان ترک به فرماندهی **جواد بیگ** و با راهنمایی **اسماعیل خان زیاد خانوف** فنودال اهل گنجه و نماینده تام الاختیار دولت مساوات، راهی شوشی شده در سر راه خود همه چیز را نابود می‌ساختند. تمام ارمنیان قریباغ برای نجات میهن به پا خاستند. چپاولگران ترک و مساوات مجبور بودند برای تصرف هر خانه به جنگ بپردازند. بدین سان "مبارزه حماسه آفرین و شکوهمند روستائیان ارمنی قریباغ در برابر اشغالگران ترک آغاز گردید".

دسته‌های پیشرو نظامی ترکیها ۲۴ سپتامبر وارد شوشی شدند. در یکی از اسناد آرشیب آمده است که بعد از ارتش "هزاران نفر از یایغان و اراذل محلی تاتار، حرکت می‌کردند تا روستاها و شهر اشغال شده را چپاول و ویران کنند". فرماندهی ترک در شهر وضعیت نظامی اعلام می‌کند و ارمنیان را خلع سلاح کرده به زور رخت خواب و لباس‌های زیر و پول آنان را غصب می‌کنند. شمار عساکر ترکان وارد شده به شهر بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بود.

فرماندهی ترک، دولت قریباغ را منحل کرد و دستگیری افراد و عملیات تجسس در شهر آغاز گردید. ۶۰ نفر از روشنفکران از جمله **یغیشه ایشخانیان** رئیس شورای ملی ارمنی قریباغ دستگیر و روانه زندان شدند.

اگر چه شوشی سقوط کرد لیکن مناطق روستایی موقعیت خود را حفظ کردند. سپاهیان ترک همراه اشرار مساوات به **جرابرد** و **واراندا** حمله کردند. اهالی آرتساخ در همه جا اقدام به تشکیل دسته‌های نظامی مردمی کردند و شروع به مبارزه برای حیثیت و آبروی خاک و خانواده خود نمودند. روزهایی که اشغالگران مساواتی ترک به سمت شوشی حرکت کرده بودند نبردهای سنگینی در منطقه **جوانشیر** به وقوع پیوست.

پس از سقوط شوشی، سپاه مشترک ترک و تاتار که به سلاحهای سنگین مجهز شده بود وارد جوانشیر شد و به سوی **مارتاکرت** به حرکت در آمد. روستائیان ساکن در دامنه کوه با امکانات خود به کمک روستائیان دشت نشین شتافتند و خانواده‌ها، نان و پنبه آنان را به نزد خود منتقل کردند.

روستای مارتاکرت که در یکی از مسیرهای دشت هموار به سمت کوه‌ها واقع بود به مرکز تدافعی ارمنیان جوانشیر تبدیل می‌شود. جلادها با راهنمایی **کامل بیگ** افسر، **د. لمبرانسکی** پزشک، **شیرین بیگ** افسر "لشکر وحشی"، **شاهمالی** از اراذل معروف، **کالایگوف** فنودال و سایرین، سه بار اقدام به حمله به مارتاکرت می‌کنند و هربار متحمل شکست و عقب نشینی می‌گردند. نیروهای مردمی با فداکاری و شجاعت زائدالوصف به مبارزه پرداختند و راه برگشتی برای آنان باقی نگذاشتند. زنان و پیران و نوجوانان در کنار مردها می‌جنگیدند و زخمی‌ها و اجساد کشته شدگان را به پشت جبهه منتقل می‌کردند و مواد خوراکی، فشنگ و دیگر احتیاجات مبارزان را به ایشان می‌رساندند. ترکان و تاتارها با عجز در برابر حملات ارمنیان مجبور به عقب نشینی می‌شدند و در سر راه "کلیه مردان محترم" را در روستای چالو دستگیر کرده به مقر **تارتار** منتقل می‌کنند، در اینجا آنان را زیر شکنجه به قتل می‌رسانند.

پایمردی و مقاومت قهرمانانه ارمنیان جوانشیر مانع از ورود ترکان تاتار به منطقه **جرابرد** شد و ارمنیان ساکن منطقه را از نابودی حتمی نجات داد.

برای اشغالگران ترک و تاتار به ویژه نواحی **واراندا** و **دیزاک** که تسلیم نشده بودند مشکلات زیادی ایجاد می‌کردند لذا فرماندهی ترکان تصمیم می‌گیرد سپاهی از طریق **واراندا** به **کارایگینو** بفرستد تا به سپاه دیگر ترک که از طریق دشت **مغان** به سمت قریباغ در حرکت بود، ملحق شده بطور متحد **واراندا** و **دیزاک** را به تصرف خود در آورد. سپاه ترک و تاتار که شامل بیش از ۴۰۰ نفر از عساکر و دارای توپ‌های مجهز و مسلسل‌های سنگین بود، از شوشی خارج شده شب ۱۷ اکتبر را در روستای **ماسمای واراندا** به سر می‌برد. این سپاه تحت فرماندهی **کازم بیگ** افسر ارشد ارتش ترکیه قرار داشت که یکی از سازماندهان کشتار ارمنیان باکو و عملیات وحشیانه بود.

و زمستان را هم در آنجا ماند و اقامت او چهار سال طول کشید. امیران که از این اقامت طولانی دل‌تنگ شده بودند، چاره در آن دیدند که به رودکی متوسل شوند تا او کاری کند که امیر به بخارا بازگردد. رودکی ایبات زیر را سرود و در مجلس سلطان آن را به یاری چنگ و با صدای حزین خواند. گویند امیر نصر چنان به هیجان آمد که بدون آنکه چکمه بپوشد بر اسب نشست و روی به بخارا نهاد.

بوی جوی مولیان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او
آب جیحون از نشاط روی دوست
ای بخارا شاد باش و دیر زی
میر ماهست و بخارا آسمان
میر سروسست و بخارا بوستان
آفرین و مدح سود آید همی

یاد یار مهربان آید همی
زیر پایم پرنیان آید همی
خنگ مارا تا میان آید همی
میر زی تو میهمان آید همی
ماه سوی آسمان آید همی
سروسوی بوستان آید همی
گر به گنج اندر زیان آید همی

آثار و گزیده اشعار

دیوان اشعار رودکی سمرقندی

رودکی: با معنی آژه‌ها و شرح بیتهای دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی دیوان رودکی سمرقندی: بر اساس نسخه سعید نفیسی، ی. براگینسکی

نگاهی به جغرافیای تاریخی و تاریخ

آرتساخ

(بخش ۴)

ا.گرمایک

رویدادهای آرتساخ (قریباغ) در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۱۷

نوری پاشا سپس هیئت‌هایی متشکل از ارمنیان و ترکان به شوشی گسیل می‌دارد تا مردم را برای پذیرش بدون مقاومت تصمیمات فرماندهی ترکیه و دولت مساوات آذربایجان آماده سازند.

در اعلامیه یاد شده نوری پاشا برای نخستین بار قریباغ به عنوان بخشی از آذربایجان قلمداد می‌گردد و از ساکنان آن جا خواسته می‌شود به اطاعت در آیند.

چگونه ممکن است که "قریباغ بخش جدایی ناپذیر جمهوری آذربایجان باشد"، از چه زمان و بر چه اساسی؟ و اما چه کسی نظر و خواسته قریباغیان را پرسیده بود؟ برای پاسخگویی به این سؤالها، کنگره‌های دوم و سوم (سپتامبر) ارمنیان قریباغ تشکیل شد و درخواست مساواتی‌های ترک را رد کرد. فرماندهی ترکان نابودی و کشتار ۳۰ هزار ارمنی ساکن باکو (سپتامبر ۱۹۱۸) را کافی نمی‌دانست لذا نوری پاشا تصمیم گرفت ساکنان شورش قریباغ را نیز تنبیه کند، بویژه آنکه پس از کنگره اول مشخص گردید سرزمین آرتساخ حکومت آذربایجان را به رسمیت نمی‌شناسد

و در صدد الحاق به سرزمین اصلی ارمنستان بود. دولت مساواتی آذربایجان سعی می‌کرد به یاری اراذل ترک به هویت آرتساخ پایسان داده آن را به چنگ آورد به همین علت نیز دولت مساواتی‌ها "ارتش ترکیه را گسیل می‌دارد تا به زور اسلحه قریباغ را به قلمرو آنان ملحق سازد". اشغالگران و توسعه طلبان ترک با کمک‌های زیاد دسته‌های اراذل مساوات آرتساخ را از جهات مختلف محاصره کرده آن را از دیگر مناطق ارمنی منفک ساختند. **جمال جواد بیگ** فرمانده لشکر دوم ترکیه وارد

اقدام شد و از طرف نوری پاشا التیماتومی مبنی بر عدم مقاومت و پذیرش سلطه آنها برای دولت قریباغ فرستاد. در چنین روزهای سرنوشت ساز، **ژنرال آندرانیک**، برای تنازع بقاء ملت خود به ارمنیان قریباغ و زانگور امید و دلداری می‌داد. او از ۳ اوت ۱۹۱۸ تا اول آوریل ۱۹۱۹ با سپاه خود در **گوریس** و **سیسیان**، ارتباط

تنگاتنگی با شورای ملی و فرماندهان نظامی قریباغ حفظ می‌کرد. از آنجا که سپاه نوری پاشا نه تنها قریباغ که کل زانگور را تهدید می‌کرد، لذا حضور **آندرانیک** در منطقه را باید یک رسالت سرنوشت ساز تاریخی دانست. ارمنیان قریباغ تنها راه نجات خود را در کمک‌های آندرانیک می‌یافت. خود آندرانیک هرگز هدف خود را مبنی بر حرکت به سوی شوشی و کمک به ساکنان ارمنی قریباغ کتمان نمی‌کرد.

تاتارهای نواحی زانگور به تحریک ترکها و مساواتی‌ها در همین روزها بر علیه آندرانیک دست به شورش زدند. جلوگیری از خونریزی، تلاش برای روشن کردن اذهان و استحکام مواضع اجتناب ناپذیر بود لذا آندرانیک تصمیم خود را برای عزیمت به قریباغ به تعویق انداخت. صرف نظر از آن آندرانیک همچونان به عنوان پشت و پناه اهالی قریباغ عمل می‌کرد.

اولتیماتوم فرمانده ترک باعث شگفتی زحمتکشان نگردید. در همان روزها از طرف شورای ملی و هیئت‌های محلی روستایی در نواحی مختلف، پایگاه‌های نظامی